

شورای نگهبان تراز انقلاب ۲

##بخش_نظارت_بر انتخابات

●مرجان کلام: سراغ گرفتن از تناسب "مسئولیت" با "اختیارات" است.

? آیا در اختیار داشتن "حق استصواب" [حق هر تصرف قانونی برای سلامت انتخابات و هم سلامت منتخبین]، ملازمه دائمی با "ضمانت صواب و سلامت" دارد؟!

⦿:تقسیم بحث:

مسئولیت ناشی از آن حق ویژه، دو چهره و هرکدام چند زیر بخش دارند:

۱. مانعیت برای ورود نااهلان:

۱/۱- لزوم پاسخگویی در برخی تأیید ها (چالش تاجگردون)!

۲/۱- لزوم رفع شبهه در ردشدگان (چالش حریم سازی برای ارتکاب علنی)!

۲. پرسش از زمینه شدن حق استصواب برای تحقق انتخابات بهتر و نهاد کاملتر (مجلس شورا، خبرگان)

۱/۲- لزوم پاسخ در تأیید a و رد مشابه

(چالش حکم الأمثال)!

۲/۲- تکلیف فضائل دیده نشده؟

(چالش دهن شیرین کن ها)!

*اگر حوصله دارید تعقیب کنید:

.....

۱- مانعیت برای ورود نااهلان:

فلسفه شورای نگهبان در اندیشه (۱) رهبران انقلاب "یک صافی است برای آنکه نگذارد ناخالصی وارد ارکان نظام بشود" (۲)

▲ ۱/۱- چالش تاجگردون:

نام ها استعاره اند برای سؤال از تأیید کسانی که "کف صلاحیت" را هم ندارند.

! بنی صدر، قبل از نظارت شورای نگهبان بود و بعد در اسناد لانه جاسوسی، اسنادی علیه اش چاپ شد. اگر بعد از نظارت استصوابی هم بنی صدری در دولت یا مجلس پیدا شد، منطقی است پرسیده شود پس فلسفه وجودی نظارت استصوابی چیست؟!

? واقعا چند درصد از کسانی که مجلس اعتبارنامه شان را رد کرده، "اسناد جدید"، برای رد لازم داشته اند؟! اصلا کدام سند هست که دست شورا نمیرسد؟ و کدام نهاد استعلام او را بی جواب می گذارد؟!

? چند در صد از نمایندگان رد صلاحیت شده دهم بخاطر مفاسد اقتصادی، در آن ۴ سال چنین شده اند؟

! در این چالش، سؤال از "چرا رد کردی؟" نیست. از "چرا تأیید کردی؟" است. لذا بیان ادله، "هتک حرمت" کاندید نیست، بلکه "اعاده حیثیت" اوست! **!** حیثیتی که رسانه ها یا نمایندگان زیر سؤالش می برند و او در موقعیت "هر شخص" نیست، در موقعیت "تأیید شده ی شورای نگهبان" است. سکوت یا جواب کلی دادن شورای نگهبان، زیر سؤال رفتنش را در پی دارد!

? آیا مباحثه و مناظره ای علنی بین نماینده شورا با نماینده مخالفین اعتبار نامه تاجگردون (مثلا) انجام میشود تا معلوم شود عذر شورا در تأیید صلاحیت چقدر موجه است؟!

? آیا دبیر شورا ادله خود برای به رأی نهادن "دوباره" صلاحیت آقای روحانی (مثلا) پس از رد صلاحیت اولیه در ۹۲ درون شورا، را به اطلاع عموم می رساند؟ (۳)

? آیا درباره "لحاظ یا عدم لحاظ" مستنداتی که به کف صلاحیت ایشان ضربه میزند و فعالین سیاسی ای بخاطر طرح آنها دادگاهی و تیرئه میشوند، به جامعه "بله یا خیر"ی هم نباید گفته شود؟!

▲ ۲/۱- چالش حریم سازی برای ارتکاب علنی!

توصیه کلیدی رهبری به شورا این بوده: "آقایان #احراز را حتمی بگیرند اما #دایره-محرز را خیلی تنگ بگیرند" (۴)

مراد از احراز هم احراز یقینی یا احراز شرعی نیست. "احراز عرفی" است که گاه خلاف شهادت حسی هم نتیجه می دهد. دقت کنید: "ما احراز را حتمی می دانیم ولی در این گونه مواقع عادتاً احراز یقینی و علمی ممکن نیست. احراز به معنای قیام بینه هم تقریباً همین طور است. اگر چه فرموده اند دونهفر یا سه نفر هم باشند کافی است، اما کمتر پیدا می شود، مواردی که دو نفر شاهد عادل شهادت دهند عن حس بیابند و راجع به مطالبی شهادت دهند. در خیلی از این مسائل مرزهای حدس و حس باهم نزدیک است و گاهی حدسیات با حدسیات مشتبه می شود. بخصوص که در خیلی از حرفها و اظهارات جای تفاسیر مختلف وجود دارد. یعنی شخصی حرفی زده، وقتی شما به خودش مراجعه می کنید، می گوید من منظورم چیز دیگری بوده است. نمی شود گریبان او را گرفت که: ظاهر حرفت این است! اگر کسی خلاف ظاهر اراده کرده یا در آن وقت توجه به ظاهر نداشته، خلاف شرع که نکرده است. بنابراین ممکن است شخصی خلاف ظاهر حرف زده باشد. همین که شد، احتمال وارد می شود و یا شهادت عن حس را سست می کند!"

وباز در همین دیدار: "اگر یک نفر در جایی حرفی زده و در جای دیگر هم حرف دیگری زده که نقطه مقابل آن حرف است این هم باید به حساب بیاید. انسان از مجموع و برآیند اینها مطلبی را احراز کند. یعنی آن نقاط اثبات کننده هم در کنار نقاطی که به حسب ظاهر صلاحیت را نفی می کند به حساب آید" (۵)

! مرور دوباره این معیار گذاری آدم را به فکر فرومی برد که پس از این دیگر چقدر ممکن است کسی بخاطر مواضع سیاسی اش ، رد صلاحیت شود؟!

! اما واقعیت این است که بیشترین چالش شورا با این رد صلاحیت شونده ها است که به نفی و مقابله با نظارت استصوابی انجامیده است. افکار عمومی نیز پس از انباشت موارد در دوره های متمادی دچار شبهه شده است که واقعا شورا موازین را رعایت می کند یا گرایش و ذوق سیاسی خود را اعمال می کند؟!

▲ سؤال اساسی اینکه:

? آیا مستند عدم التزام عملی به ولایت فقیه برای یک رجل سیاسی معروف میتواند از طریق شنود ، تجسس در گوشی و لپ تاپ فرد و مانند آن باشد؟! یا مستندات ، "تخلفات عملی" فرد از فرامین ولایت (نه حتی نظر دیگر داشتن) است؟!

اولی که خلاف معیار احراز عرفی و دون شأن نظام است و حتما تکذیب هم می شود!

دومی هم که برای رجال معروف ، "علنی" و رسانه ای است ، پس چرا مثل عیوب اخلاقی مخفی شود؟! و برایش "حریم سازی" می شود؟

پخش عمومی جلسه شورا با این رد شدگان معترض (با اجازه خودشان) چه محذوری دارد؟!

? اینجا همان مناط دادگاه مطبوعات و جرم سیاسی در بین نیست ، که علنی به استماع جامعه برسد؟!

اتفاق افتادن چند موردش در این سالها، شورا را از تاریکی و سایه در می آورد. افکار عمومی بمثابه هیئت منصفه، قوت استدلال و تطبیق موازین قانونی و دوری از ذوق ها و گرایش های شخصی در شورا را سنجش می کرد.

«دو ضربه جبران ناپذیر به انقلاب:

در اندیشه رهبری درباره شورای نگهبان دوچیز ضربه جبران ناپذیر به انقلاب می زند:

-تضعیف هویتی و درونی شورا

-تضعیف حیثیتی شورا(۶)

تضعیف هویتی و درونی ،ضربه ای است که شورا ممکن است خود به خود بزند. در وظیفه نظارت بر انتخاباتش ، خدای نکرده از موازین تخطی کند و تعریف و تشخیص خودش از مفاهیم را ضابطه کند. رهبری انقلاب چند بار این مواظبت را به شورا گوشزد کرده است: "مواظب باشید کارتان یک سرسوزنی از معیار قانونی تخطی نکند. نظرات و سلايق شخصی را کنار بگذارید این که کسی به خاطر تشخیصی که از دین و انقلاب و اسلام و رهبری و ملت و دولت دارد، یک نفر را رد کند یک

نفر را تضعیف کند یکی را یک خورده جلو بکشد یکی را یک خرده عقب بزند خلاف ضابطه است. غیر از قانونی که تصویب شده و به دست شما داده اند تا طبق آن عمل کنید هر چیز را که شما معیار دانستید، بدانید معیار و ضابطه نیست. ضابطه همین است که در دست شماست. طبق همین ضابطه دقیق و بدون رعایت حب و بغض، بدون رعایت خط و خطوط و بدون رعایت جهات سیاسی عمل کنید" (۷)

حتی مثال می زنند: "مثلا الان رایج شده که بعضی ها را به اندک چیزی ضد ولایت فقیه می گویند! معلوم نیست اگر کسی یک وقت در جایی یک کلمه حرفی زد این ضدیت با ولایت فقیه باشد" (۸).

بیشتر از هشدار، حتی نگرانی خود را هم با شورا در اینباره در میان نهاده است: "من دلم برای آن شخص می سوزد و برای کسی که در گوشه و کنار باشد و خدای نکرده به حق او بی توجهی شده و رد صلاحیت شده در حالی که بطور عقلایی و عرفی و باهمان قرائن عادی می شود صلاحیتش را احراز کرد. آنچه بنده را نگران می کند این است که نکند چنین اتفاق بیافتد" (۹)

-تضعیف حیثیتی از بیرون شورا بر شورا تحمیل می شود. بدخواهان همان نقاط ابهام رد صلاحیت ها را بهانه این کار کرده و در هر انتخابات حمله هایی به حیثیت شورا و اصل نظارت استصوابی می کنند.

علنی کردن آن مقدار از رد صلاحیت ها که دلایلش محل به عفت عمومی و حریم شخصی افراد نیست، بخصوص در تطبیق موازین در شرایط سیاسی (التزام عملی به ولایت و نظام) لازم بنظر میرسد. و این فایده را دارد که هم مانع تضعیف هویتی و درونی شورا میشود (چون شورا را پاسخگوی افکار عمومی می کند) و هم مانع تضعیف حیثیتی شورا می شود (چون موج سواری بر ابهامات را از بین می برد).

تکلیف شورا در اینباره:

? سؤال اساسی در اینباره این است: در فرضی که شورا به کار خود اطمینان دارد و رهبری نیز به رویه او اعتماد دارد، اما احساس می شود جامعه یا بخش قابل توجهی از جامعه، بخاطر ابهامات یاد شده درباره عملکرد شورا شبهه دارد تکلیف چیست؟! آیا شورا حق دارد اطمینان خود و تأیید مکرر مقام ولایت و سکوت قانون اساسی درباره پاسخگو بودن شورا به افکار عمومی را بهانه طفره رفتن از رفع شبهه کند؟ و به کلی گویی بسنده کند؟!

! پاسخ صریح ولی فقیه چنین است: "من به مقام مسئولی که می شناسم. و قاعده کار او را می دانم اعتماد می کنم در این نوبت [انتخابات ۸۸] هم همین جور است من اعتماد می کنم اما این اعتماد من موجب نمی شود که اگر چنانچه شبهه ای در ذهن کسانی هست این شبهه دنبال نشود و تعقیب نشود و بررسی نشود و حقیقت قضیه آشکار نشود. نه شبهات را برطرف کنید" (۱۰).

تقلیل این راهکار به شبهات درباره شمارش آراء، خروج از علت حکم است. رفع شبهه از جامعه، موضوعیت دارد چه در شمارش آراء چه درباره رد صلاحیت ها بخاطر ارتکابهای سیاسی و علنی.

? آیا برای رد صلاحیت طیف یا مشاهیری حتما باید اردو کشی خیابانی اتفاق افتد تا رفع شبهه بر شورا لازم شود؟!

۲- پرسش از زمینه شدن حق استصواب برای تحقق انتخابات بهتر یا نهاد کاملتر:

شورا در این بخش در قبال "کل انتخابات" نه منتخبین دیده می شود. در قبال "ترکیب نهاد برآمده از انتخابات" (مجلس شورا یا خبرگان) دیده می شود نه در قبال اجزاء.

مثلا اگر "مجلس باید عصاره فضائل ملت" باشد، مسئولیت شورای نگهبان و حق نظارت استصوابی در اینباره چیست؟

ایفای نقش در اینباره باید حتما "با لحاظ حق انتخاب آزاد مردم" صورت گیرد والا خدای نکرده سر از مهندسی انتخابات در می آورد!

رهبری در نامه ای به شورا درباره تجدید نظر درباره برخی رد صلاحیت ها می نویسند: "صاحبان سلائق گوناگون سیاسی فرصت و مجال حضور در آزمایش بزرگ انتخابات بیابند" (۱۱).

بخلاف آنچه برخی اعضای شورای نگهبان دائم از کثرت کاندید گله دارند، ایشان می فرمایند: "هرچه افراد از جهات و جناح های مختلف در انتخابات شرکت کنند این برای نظام بهتر است. برای شورای نگهبان هم بهتر است" (۱۲).

البته سلائق گوناگون سیاسی منحصر در چهره های شارلاتان جناحی نیست، اما "انتخابی فراگیر" است که می تواند عصاره فضائل ملت را جمع کند و مردم سالاری واقعی را تجلی دهد.

در اینباره دو چالش روبروی شورای نگهبان است:

▲ ۱/۲- چالش حکم الأمثال:

در نگاه پسینی به کرات دیده شده : چهره ای تأیید اما چهره ای مشابه او رد صلاحیت شده است! بدون اینکه فرد رد شده فاقد صلاحیت باشد و در انتخابات دیگر هم تأیید می شود!

برای مثال کدام معیار ریاست جمهوری است که آقایان غرضی ، هاشمی طبا ، میرسلیم ، جلیلی و... دارند اما آقایان زاکانی، سبحانی، لنگرانی و... ندارند؟!

اگر عدم التزام به اسلام و نظام است که برای انتخابهای دیگر هم نباید تأیید شوند! اگر "رجل سیاسی" و شرایط خاص ریاست جمهوری است، افکار عمومی تأیید شدگان را بالاتر از رد شدگان نمی بیند! اینجا کلمه کلیدی آن است که: "همواره در تصمیم گیری ها ضابطه مقدم است بر هر مصلحت اندیشی" (۱۳).

"در امر نظارت باید قانون و موازین ملاک و معیار باشد نه مذاق ها و سلايق شخصی. مطلقا دنبال مذاق شخصی نروید. این طور نباشد که یکوقت انسان خودش تشخیص دهد که اگر این فرد در مجلس نباشد برای مجلس خسارتی است! اگر این شخص باشد برای مجلس فایده ای دارد آن گاه برخلاف موازین و مقررات این مذاق اعمال شود" (۱۴).

? برای جامعه سؤال می شود : دو آدم مثل هم یا نزدیک به هم چرا حکم متفاوت دارند؟!

این "نامنجم بودن" در متعلقات تصمیم، دفاع از عملکرد را هم سخت می کند. از شورا خواسته شده: "در عملکرد شورا اتحاد و انسجام وجود داشته باشد" (۱۵).

"باید کارها را مرتب و منظم کنند تا همه چیز قابل دفاع باشد" (۱۶).

▲ ۲/۲ - چالش دهن شیرین کن ها!

ایران فقط تهران نیست و فضایل ملت فقط منتسبان به جناح های معروف سیاسی یا آدمهای مشهور نیستند. در شهرستانها و استانها استعدادهای عالی یافت می شود که بخاطر "نحوه حضور برخی کاندیدها" دیده و شنیده نمی شوند و مجالس از فضیلت های علمی و عملی آنان محروم می شود. بلکه در تهران و مراکز استانها هم قصه همین است.

این ترس واقعی است که: "اساس قضیه همان چیزهایی است که واقعا همه را می ترساند: آدم پول پرستی، آدم پیشکرده خوانین و اشرار منطقه ای، از فقد نظارت استفاده کند و وارد مجلس شود وبعد بخواهد برای آن گونه افراد کار و تلاش کند" (۱۷).

"اگر دیدید کسانی هستند که برای این طور کارها [رای آوردن] به مردم پول می دهند یا دهن مردم را شیرین می کنند بدانید که این آدم ها، آدم های نامناسبی هستند... بایستی جلوی شان گرفته شود" (۱۸).

تأیید چنین کسانی بالاصاله چالش ۱/۱ را بوجود می آورد و بالتبع چالش ۲/۲ را و موجب میشود. تأیید تاجگردونها - که دیگر منحصر و محدود نیست - مانع درخشش جوانهای تحصیل کرده و کار آزموده و انقلابی بوده و هست!

محسن قنبریان ۹۹/۴/۲۵

■ پی نوشت ها:

۱- در این یادداشت به اندیشه های آیت الله خامنه ای بعنوان بازمانده حلقه متفکران انقلاب و شاگردان امام استناد می کنم نه ولی فقیه. جز یک مورد (پاورقی ۱۰) سخن ایشان بعنوان ولی مشروع کنونی طرح نشده که از سر تبعیت بپذیریم. لذا حتی اگر در تصمیمات و وروده های رهبری - که موضوع این یادداشت باشد - مخاطب، مثال نقضی از خود ایشان دارد، پرسش از ولایت بوسیله اندیشه اسلامی و معقولشان، سزاوارتر است تا پرسش از او بوسیله گفتمانهای رقیب. (دقت شود)

۲- ۲۰ تیر ۷۹

۳- مصاحبه روزنامه شرق با دکتر کدخدایی مرداد ۹۲

<http://www.sharghdaily.ir/fa/main/detail/16299>

۴- ۲۴ دی ۸۲

۵- همان

۶- ۲۱ خرداد ۶۸ در مراسم بیعت شورا با ایشان.

۷- ۴ مهر ۶۹

۸- ۴ اسفند ۷۰

۹- ۲۴ دی ۸۲

۱۰- ۲۶ خرداد ۸۸

۱۱- ۲ خرداد ۸۴

۱۲- ۴ اسفند ۷۰

۱۳- ۲۰ تیر ۸۶

۱۴- ۱۴ بهمن ۷۴

۱۵- ۲۰ تیر ۸۶

۱۶- ۱۱ مهر ۸۰

۱۷- ۱۴ بهمن ۷۴

۱۸- همان

آدرس کانال: m_ghanbarian@